

علم برای امروز و فردای ما حیاتی است. ما هر کار دیگری نکنیم. اگر در علم تهیدست باشیم، آن کارها، کارهای عقیم و بی عاقبتی خواهد بود.

جایگاه علم و اهمیت علم آموزی در روند توسعه و تحقق چشم انداز از دیدگاه مقام معظم رهبری

(۱) تدوین نقشه جامع و فرآیند رشد علمی کشور

✓ ما در کشور به نقشه جامع علمی احتیاج داریم.

✓ ما باید بدانیم که برای رسیدن به هدف چشم انداز بیست ساله نقشه جامع علمی ما چیست؟

✓ این نقشه را طبق راهبردهای عملیاتی و برنامه ریزیهای زمان دار و منظم، مثل یک پازل، بتدریج باید پر و کامل کنیم.

✓ این کار با زبندگان و صاحبان اندیشه ی کشور در حوزه دانشگاهها و آموزش و پرورش و حوزه های ذیربط علمی است و بایستی تحقق پیدا کند.

✓ دانشگاه یک جزیره ی جدا از قبل و بعد خود نیست. برای اینکه ما بتوانیم رشد علمی کشور را به معنای حقیقی کلمه تامین بکنیم، این فرآیند را بایستی تضمین بکنیم، یعنی از دبستان، تا بعد از مقاطع عالی دانشگاهی.

✓ بعد از مقاطع عالی دانشگاهی، مراکز تحقیقاتی و پیشرفتهای تحقیقاتی و ارتباط با صنعت و پیشبرد فناوری در کشور و پدید آوردن جهشهای فناوری در بخشهای مختلف کشور است که اینها به بعد از مقاطع بالای دانشگاهی مربوط می شود؛ اما باید از دبستان شروع بشود.

✓ این را باید ترسیم کنیم.

✓ این کار انجام نگرفته و ما آن را نیاز داریم و باید انجام بگیرد.

✓ این کار، تنها کار وزارت آموزش عالی و وزارت بهداشت هم نیست.

✓ این کار، کار دولت است.

✓ کار شورای عالی انقلاب فرهنگی است.

✓ کار مجامع تصمیم گیر و سیاست ساز است.

✓ تولید علم معنایش چیست؟ آیا علم تولید کردنی است؟ آیا کشف کردنی است؟ حالا کشف کردنی است، تولید کردنی است، تحقیق کردنی، هر چه هست مقصود معلوم است.

✓ ما می گوئیم پایه های فناوریهای پیشرفته و رشد تمدن مادی، تمدن مرتبط با مسائل زندگی، دانش است.

✓ اگر بخواهید این دانش را از دیگران بگیرید و خودتان مصرف کننده باشید، به هیچ جا نخواهید رسید. باید این دانش در داخل بروید.

✓ فرق می کند که انسان یک چیزی را از دیگری در حدی که او می خواهد به ما تعلیم بدهد، یاد بگیریم و شاگردی کنیم، یا اینکه همواره شاگرد نماییم. همانطور که من مکرر عرض کرده ام، همیشه که نمی شود یک ملت شاگرد بماند.

✓ ما یک روزی در دنیای علم و مدنیت استاد بودیم، حالا به مرحله ی شاگرد تنزل پیدا کرده ایم. یک مدت هم شاگرد بسیار تنبل بودیم! اما امروز مشغول حرکتیم و بایستی پیش برویم، بخصوص در زمینه ی **علوم پایه** که در حقیقت **پایه نظری و تحرک علمی و هر فناوری پیشرفته** است.

✓ من تاکید کرده ام و می کنم. و البته در کنار این توجه یافتن و سمت گیری دانش، باید به سوی عمل و کاربردی کردن و نیازهای کشور را در نظر گرفتن و در آن جهت حرکت کردن، توجه داشته باشیم.

✓ باید به این نکته اهمیت داد.

✓ خوشبختانه امروز در هر اجتماع دانشگاهی و دانشجویی که شرکت می کنیم می بینیم صحبت نهضت تولید علم و نهضت نرم افزاری را خیلی خوب تکرار می کنند. این حالا به یک عرفی تبدیل شده است.

✓ حالا باید ما به معنای حقیقی کلمه، این را دنبال کنیم که تحقق پیدا کند.

✓ علم را باید برویانییم.

✓ این چیزی نیست که بدون مدیریت کردن و سرمایه گذاری، به خودی خود به طور مطلوب صورت بگیرد.

(۲) نهضت تولید علم و نرم افزار

✓ مسئله ی بنیاد نخبگان - که به نظرم الان بیش از دو سال است که این را مطرح کردیم که یک چنین چیزی به وجود بیاید - که ظاهر قضیه این است که یک بنیاد و یک مؤسسه است یا یک اداره است.

✓ لیکن باطن قضیه این است که چنانچه یک چنین نهادی در کشور به وجود بیاید، به اعتقاد ما، فضای علمی کشور و چهره علمی دانشگاهها و پژوهشگاهها یک تغییر اساسی خواهد کرد.

✓ **دلگرمی محقق و پژوهشگر و اهل علم، اساس کار است. همچنان که در جنگهای نظامی، روحیه از همه چیز مهمتر است. در محیط علمی هم همین معنا صادق است.**

✓ این روحیه احتیاج به یک تمرکز در تصمیم گیری و برنامه ریزی و اقدام دارد که این را ما در عنوان بنیاد نخبگان تجسد بخشیدیم.

(۳) بنیاد نخبگان

۴) بکارگیری فارغ التحصیلان عالی در دانشگاهها و مراکز پژوهشی

- ✓ ما فارغ التحصیلان مقاطع مختلف دوره های تحصیلی را باید در دانشگاهها و مراکز پژوهشی حتماً وارد کنیم . این کار برنامه ریزی می خواهد.
- ✓ این جوان، با استعداد، با شور و با شوق تا اینجا دویده و به اینجا رسیده - حالا مقطع دکترا یا فوق لیسانس - حالا بعد که به اینجا رسید بماند متحیر که چکار بکند. این نباید اتفاق بیفتد.
- ✓ باید روی اینها متمرکز شد و کار کرد. باید تلاش کرد این اتفاق نیفتد که این جوان را که حالا تا اینجا با شوق و ذوق دویده به خیال اینکه حالا یک کاری خواهد شد، ببیند که هیچ کاری دستش نیست و هیچ مسئولیتی به گردنش نیست. مسئولیت اداری مورد نظر من نیست، مسئولیت علمی . یعنی کار و تلاش علمی که او را خرسند و خوشحال کند.
- ✓ **احساس اشتغال ، احساس کار کردن و احساس هویت علمی و عملی، چیز با ارزش و مهمی است، ما باید این احساس را در کل مجموعه ی جوانان و دانشجویانی که در مقاطع مختلف دوره های تحصیلاتی تکمیلی را می گذرانند، به وجود بیاوریم.** اینها هم رشد می کنند و هم فایده می دهند. درخت جوان بهره دهی است. هم میوه می دهد و هم خودش دارد رشد می کند.

✓ این خبری که الان وزیر محترم گفتند، کارگاههای تحقیقاتی و آموزشی را توسعه داده ، من را خوشحال کرده است. این پارکهای علمی و فناوری که در کشور راه افتاده کارهای خوبی است، اما کم است. باید روی اینها متمرکز شد و کار کرد.

۵) ملاک ارتقاء اعضای هیئت علمی

- ✓ مسئله ی ملاک ارتقاء اعضای هیئت علمی ، این ملاکها چیست؟
- ✓ حالا مقاله و مجلات آی.اس.آی و اینها، همه حرفهای خوب و درستی است. لیکن اینها تنها ملاک نباشد.
- ✓ حالا خود این مقالات درج شده ی در مجلات آی.اس.آی هم همیشه ملاک نیست. آن چنان که اهل فن و افراد مطلع به بنده گزارش می دهند اینها سطوح مختلفی دارد و آن چنان نیست که صرف این معنا یک ملاک دائمی بحساب بیاید. لیکن ملاکهای دیگر هم وجود دارد. **مثلاً فرض کنید پرورش دانشجو.**
- ✓ **استادی که در، دانشجو پروری و شاگرد پروری و به ثمر رساندن شاگرد، از خودش یک کار درخشانی نشان می دهد، یا نظر نوی در مسائل علمی و دانشگاهی ابراز می کند، ملاک ارتقاء است.**

✓ این ملاکهای گوناگون را می شود تدوین کرد و ملاک ارتقاء اعضای هیئتهای علمی قرار داد.

۶) ایجاد توازن در رشته های علمی

- ✓ اگر آن نقشه ی جامع علمی مطرح شود و وجود داشته باشد، طبعاً نگاه به رشته های گوناگون، یک نگاه متوازنی خواهد بود.
- ✓ این طور نیست که ناگهان برای مدتهای متمادی بعضی از علوم به انزوا و حاشیه بیفتند و بعضی از علوم هم مثل برخی از رشته های پزشکی یا مهندسی پردرآمد ، ناگهان اهمیت پیدا کنند و در درجه ی اول بشوند و بسیاری از رشته ها در انزوا قرار بگیرند. مثل بعضی از رشته های علوم انسانی و رشته های مربوط به علوم پایه که سالهای متمادی در این کشور در انزوا قرار گرفته اند. که اگر کسانی تحقیق و دنبال کنند ، احتمال دارد سرنخهای سوء نیت هم در این مسئله پیدا بشود.
- ✓ ما به پزشک، مهندس و این علما و فنانشین خدماتی و اجرایی نیاز داریم. من این طور رشته ها را به آن پولی تشبیه کردم که انسان در جیبش می گذارد که برود خرج کند. یک جامعه این پول، این ثروت، این پزشک و این مهندس را برای توی جیبش لازم دارد که بتواند خرج و زندگی کند. اما این پول، سرمایه نمی شود. اگر بخواهید این پول برای شما ماندگار شود، به یک سرمایه ی پولساز احتیاج دارید که پشتوانه ی این پول باشد.
- ✓ همه ی زندگی که همین پول امروز نیست. این ، آن رشته های پشتیبانی کننده و اساس تشکیل دهنده را احتیاج دارد که علوم پایه از این قبیل است.

✓ من می گویم نگاه به رشته های علمی باید نگاه متوازن و برخاسته ی از آن نگاه کلی باشد. مثلاً یک مدتی واقعاً علوم انسانی در کشور ما مغفول عنه واقع شد. مدتی ادبیات فارسی اصلاً مورد غفلت و بی اعتنایی قرار گرفت و خیلی چیزهای دیگر. این، نباید اتفاق بیفتد.

۷) رشد کیفی در دانشگاه

- ✓ باید در دانشگاه به رشد کیفی دست پیدا کنیم. من این را قبول دارم، لیکن این به معنای نفی رشد کمی نباشد . ما رشد کمی هم لازم داریم.
- ✓ ما از زیاد شدن دانشگاه و مراکز تحقیقات و پژوهشگاه ، به هر اندازه ای که باشد، حالا حالا سود خواهیم برد، **توجه بکنید که ما در چشم انداز بیست ساله، حد ما رسیدن به رتبه ی اول علمی در منطقه است . این همچنان که به حرکت کیفی و ضرورت احتیاج دارد، به حرکت های کمی و توسعه ی کمی هم احتیاج دارد.**
- ✓ افزایش دانشجو، افزایش مراکز دانشجویی، افزایش مراکز تحقیقاتی و چیزهایی که در این زمینه روز به روز پیش می آید و بایستی به اینها رسید، باید به حد نصابی برسیم که تامین کننده ی سند چشم انداز باشد.

۸) ارتقاء رتبه علمی اساتید

- ✓ مسئله ی ارتقاء رتبه علمی حقیقی اساتید و به روز بودن اساتید نکته ای است که باید ما ترتیبی بدهیم که استاد ما وقت مطالعه کردن داشته باشد .
- ✓ **استادی که مثل بعضی از روضه خوانها در دهه محرم از این مجلس به آن مجلس « دو کلمه و دعایتان بکنم!» از این دانشگاه به آن دانشگاه از آن دانشگاه به این دانشگاه ، این استاد نمی تواند دستگیر دانشجو باشد.**
- ✓ خود اساتید به این معنا مدعن اند و قبول دارند که این کمبود کار و مشکل آنهاست. البته تلاش معاش است و تقریباً می شود گفت که چاره ای هم ندارند. اما شما باید این را تامین کنید.
- ✓ استاد باید در اتاقش بنشیند تا دانشجو بیاید از او بپرسد و حرف بزند. نه اینکه بیاد مثل معلم دبستان یا دبیرستان، در کلاس یک درسی بدهد و بعد هم گج را بیندازد و خداحافظ! اینکه فایده ای ندارد.
- ✓ **استاد باید برای دانشجو وقت بگذارد و وقت مطالعه داشته باشد. بنشیند مطالعه کند. واقعاً استادی که مطالعه نکند درش پوچ در می آید.**
- ✓ حالا حسن درسهای حوزوی و طلبگی ما این است که اگر استادی بی مطالعه بیاید و بی ربط حرف بزند، فردا دیگر شاگرد پای درس او نمی آید. اما دانشگاه این طور نیست. این شاگرد بیچاره مجبور است که به این کلاس بیاید و مجبور است این واحدها را با این استاد بگذراند و منتظر نمره ی او هم هست و نمی تواند به او جسارتی هم بکند. پس از این جهت ، این عیب دانشگاه است و این حسن حوزه است.

- ✓ **عرض کردم مسئولان این بخش شما هستید.**
- ✓ **به شما باید گفت: این را باید دنبال کنید، برایش فکر کنید.**
- ✓ **استاد برای دانشجو باید وقت بگذارد.**
- ✓ **بالاخره شما کاری کنید که استاد بتواند خودش از لحاظ علمی و سطح دانش خود ارتقاء پیدا کند.**

۹) فضای دینی و فرهنگی دانشگاهها

- ✓ مسئله ی تربیت و فضای دینی و فرهنگی در دانشگاهها چیز بسیار مهمی است و کشور به این مسئله احتیاج دارد.
- ✓ گویی این طور باور شده که اگر کسی یا جوانی به دانشگاه آمد، باید از لحاظ رتبه دینی و فرهنگی تنزل کند و از دانشگاه بیرون بیاید! چرا عکس این قضیه اتفاق نیفتد؟
- ✓ **دانشگاه طوری باشد که وقتی جوان فارغ التحصیل دبیرستان به دانشگاه آمد و از آن بیرون آمد، از لحاظ عمق دینی و رعایت دینی و اخلاق دینی پیشرفت کرده باشد. این را اصل قرار بدهید. این باید بشود.**
- ✓ دل دانشجو، دل خیلی خوبی است، ما باید به حال دانشجو غبطه بخوریم . یعنی بنده که غبطه می خورم.
- ✓ دلهای پاک و نورانی ، آن وقت همراه با معرفت، این دیگر آن جوان عوام هیچ چیز ندان نیست. دل او با نور علم هم روشن است. آن وقت پاک و صاف هم هست.

- ✓ **باید کاری کنیم که عوامل دور کننده ی جوان از محیط دینی و تربیت دینی و اخلاق دینی کم اثر بشود.**
- ✓ **همه یک جور نیستند و خانواده ها و پدر و مارها مختلف هستند و تأثیراتی هم هست.**
- ✓ **کاری کنیم که این تأثیرات به حداقل برسد.**

۱۰) تقویت پرسشگری و اعتماد به نفس در دانشجویان

- ✓ ذهن جوان دانشجو، ذهن پرسشگری است ، این خیلی چیز خوبی است . بعضی خیال می کنند این نقطه ی ضعف است، نه این نقطه قوت است.
- ✓ گاهی اینقدر از ما نمی پرسند که دلمان می گیرد، می گوئیم بپرسند تا بتوانیم یک چیزی را بگوئیم. دانشجو باید بپرسد، تا آنچه را که می شود گفت، به او بتوان گفت.
- ✓ **بهترین کسانی که می توانند در مسائل دینی، اعتقادی، سیاسی ، معرفتی ، توحیدی ، پرسشگری کنند ، جوانان دانشجو هستند.**
- ✓ **مسئله ی اعتماد به نفس ملی را - که حالا چون متداول است، می گویند غرور ملی، چون کلمه ی غرور، کلمه ی قشنگ خوش معنایی نیست، اما متداول است. مراد همان احساس افتخار و اعتماد به نفس ملی است - باید در دانشجو زنده کرد.**
- ✓ ما از اول ، درسهایمان این طور بوده که اسم دانشمندان یونانی قدیم - طالس فرض بفرمائید - تا دانشمندان گوناگون غربی در قاعده هندسه یا در فرمول شیمی را می شناسیم. و همین طور دانشمندان دیگر را تا امروز.
- ✓ اما به قدر یک تاریخ علم نویس مانند « جرج سارتن» من سی چهل سال پیش ، هم کتاب « پیرو روسو» را که تاریخ علوم است، هم کتاب « جرج سارتن» را دیده بودم - که دوره های علمی اسلامی را تقسیم می کند به دوره ی جابربن حیان ، دوره خوارزمی و دوره خودمان . دانشمندان خودمان را نمی شناسیم! دانشجوی ما آنها را نمی شناسد و آنها می شناسند! خیام را بعنوان یک دانشمند و یک ریاضیدان بزرگ در دنیای غرب می شناسند. اما دانشجوی ما خیام را مثلاً با کوزه ی گلی می شناسد. اگر هم بشناسد. نمی داند خیام که بوده است.
- ✓ ببینید اینها موجب می شود که آن اعتماد به نفس ملی از دست برود و دانشجوی ما سابقه ی علمی ، گذشته علمی و میراث عظیم علمی خودش را نشناسد و افتخارات علمی خودش را در گذشته نداند.

- ✓ **این از جمله کارهایی است که باید حتماً در محیط دانشگاه انجام بگیرد.**
- ✓ **درس می گذارید، رشته می گذارید، تبلیغات می کنید، هر کار می کنید، من نمی دانم، این کار باید بشود.**

✓ ما باید بتوانیم جوان خودمان را آشنا کنیم به اینکه مغالطه چیست، تا بتواند مچ مغالطه کننده را بگیرد.
 ✓ بگوید این قضیه ای که درست کردی، اینجایش اختلال و اشکال دارد.
 ✓ قدرت تحلیل سیاسی این است.
 ✓ بایستی این را در جوان به وجود آورد.

✓ حرکت سیاسی دانشجویان و کار سیاسی در دانشگاهها چیز مثبتی است.
 ✓ من سالها پیش جمله ای گفتم، آن جمله راجع به بحران سیاسی دانشجویان در دانشگاهها بود. این لازم است. نه فقط برای اینکه دانشجو تخلیه بشود.
 ✓ بعضی خیال می کنند که تحرک سیاسی دانشجویان در دانشگاهها، فقط فایده اش این است که این جوان یک خرده تخلیه بشود، نه، این جوان را ما برای فردای اداره کشور لازم داریم. این باید سیاست را بفهمد. مغزش در زمینه ی سیاست ، مغز پخته و کارآمدی باشد. والا فریبش می دهند و زمینش می زنند. خوب این لازم است. منتهی آنچه لازم است، قدرت تحلیل و فهم سیاسی است.
 ✓ باید فکری بکنید تا این جریانهای سالم دانشجویی - چه انجمنها، چه بسیج، چه تشکلهای گوناگون دیگری که بحمدالله امروز تشکلهای دانشجویی خوبی در دانشگاه هست - در کنار حرکت فکری علمی ، به سمت یافتن قدرت تحلیل سیاسی کشانده بشوند.
 ✓ قدرت تحلیل که نبود، انسان فریب تحلیل فریبگر بیگانه را می خورد. در دنیای سیاست هیچ کسی صریحاً نمی آید بگوید که من می خواهم به تو ظلم کنم، نه به بک ملت، نه به یک شخص، این طور که نمی گویند. می آیند با « مغالطه های سیاسی » کاری می کنند که بتوانند بر او تسلط پیدا کنند. درست مثل مغالطه های فلسفی، ذهن طرف را با یک چشم بندی علمی - در واقع تردستی - منحرف می کنند.
 ✓ یک مغالطه ی سیاسی درست می کنند میخ خودشان را می کوبند. ما هم باید کاری کنیم که این جوان ما بتواند مغالطه را بشناسد، کما اینکه در فلسفه و منطق ، شناخت مغالطه یکی از هنرهاست.

✓ مسئله تحقیقات نکته ای است که حالا چون زیاد تکرار شده، به آن درست توجه نمی شود. مثل این اذکار عبادی که آدم تکرار می کند و همین طور عادت می کند، در حالی که ذهن انسان جای دیگر است.
 ✓ در برنامه ی چهارم، تا سه درصد تولید ناخالص را برای بودجه ی تحقیقات در نظر گرفته اند ... اما اخیراً به من گزارش دادند که شش دهم درصد شده است! حالا ظاهراً همه ی همان شش دهم را هم نداده اند. چهل و پنج صدم درصد داده اند! اینکه نمی شود. اولاً برنامه پنج ساله ، برنامه و قانون است. باید تحقق پیدا بکند. تخلف از برنامه ، تخلف از قانون است. وانگهی این حیات آینده کشور است.
 ✓ این همه راجع به علم و تولید علم و تحقیقات و این مسائل حرف می زنیم، آن وقت بودجه تحقیقات کشور، اعتباراتش داده نشود، کم بشود، بی اعتنایی بشود. این نمی شود.

این حرفها را باید بگوییم، تکرار بکنیم و اینها را فقط موعظه هم تلقی نکنید. من خواهش از رؤسای دانشگاهها و رؤسای مراکز تحقیقاتی و هم از آقایان وزرا و هیئت رئیسه های وزارتخانه ها که اینجا تشریف دارید، این است که سخنانی که ما به شما عرض کردیم، موعظه نیست و این طور نیست که یک منبر رفتیم و حالا یک تذکراتی دادیم؛ نه ، اینها اجرائیاتی است که لازم الاطاعه و لازم الاجراست. باید این کارها را بکنید. اگر نکردید، در قانون مجازات معینی ندارد که بگویند چنانچه این کار انجام نگرفت، فلان وزیر یا فلان مسئول، باید مجازات بشود؛ اما مجازات سخت تری دارد و آن قضاوتهایی است که درباره ی شما خواهد شد. قضاوت ما امروز در مورد آن کسانی که دانشگاههای ما را از آغاز پیدایش با بفت غیربومی و غیر ناظر به نگاههای ملت و کشور تشکیل دادند و ما را به اینجا رساندند و به این انحطاط ما را کشانند، چیست؟ چنانچه کوتاهی کنیم، آن وقت یک چنین قضاوتی در مورد ما خواهد بود. مجازات ما از مجازاتی که حالا در قانون برای یک جرم مشخص تعریف کرده باشند، سخت تر است.